

در باره سیره ی



سلام الله علیها

حضرت محمد



امور فرهنگی و دینی شرکت آبفا هواز

درباره‌ی سیره‌ی نبوی

سیره نبوی اصطلاحی است که به روش و نوع رفتار پیامبر اسلام (ص) در جنبه‌های مختلف زندگی اطلاق می‌شود. مرتضی مطهری در کتاب سیری در سیره نبوی، سیره پیامبر را الگوهای رفتاری پیامبر در جایگاه یک رهبر سیاسی، مبلغ دین اسلام، قاضی، و نیز به عنوان فردی از اعضای خانواده در نوع رفتار با دیگر اعضای خانواده، و در معاشرت با اصحاب خود و... می‌داند.

قرآن در آیه ۲۱ سوره احزاب پیامبر اسلام را به عنوان اُسوه حسنه به معنی سرمشق نیکو معرفی می‌کند. به گفته سید جعفر مرتضی عاملی مولف کتاب الصحیح من سیره النبی الاعظم پیامبر (ص) شخصیتی است که می‌تواند الگوی همه انسان‌ها در تمام طول تاریخ باشد زیرا او مانند دیگر پیامبران، مرد فضیلت، عقل، کمال، حکمت، وقار، علم و ... و تمام کمالات انسانی است. از این جهت است که مسلمانان در طول تاریخ اسلام به نگارش سیره نبوی پرداخته‌اند.

برخی محققان منزلت والای پیامبر در قرآن، وابسته بودن فهم دقیق قرآن به شناخت سیره نبوی، گسترش اسلام در سرزمین‌های تازه فتح شده و نیاز نو مسلمانان به شناخت پیامبر را از عوامل رشد و شکوفایی دانش سیره دانسته‌اند.

سیره تبلیغی

تبلیغ دین اسلام به صورت مخفیانه توسط پیامبر

آغاز شد و در مرحله بعد با دعوت از خویشاوندان نزدیک ادامه یافت که با تمسخر ابولهب و دیگران مواجه شد. پس از سه سال از آغاز بعثت و با نزول آیه ۹۴ و ۹۵ سوره حجر، خدا به پیامبر دستور داد «آنچه را مأموریت داری آشکارا ابلاغ کن و از مشرکان روی بگردان. ما شر مسخره‌کنندگان را از تو دفع خواهیم کرد.»

پیامبر روزها در مجاورت کعبه قرآن می‌خواند و به این ترتیب توجه دیگران را به کلام خدا جلب می‌کرد. او از فرصت موسم حج یا عمره که طوایف و گروه‌های مختلف عرب به مکه می‌آمدند، برای تبلیغ دین اسلام استفاده می‌کرد. در سال دهم بعثت پیامبر اولین سفر تبلیغی خود را انجام داد و به این منظور به شهر طائف رفت و قبیله ثقیف را به اسلام دعوت کرد ولی آن‌ها ایمان نیاوردند. در سال دوازدهم بعثت گروهی از مردم یثرب، که بعدها انصار لقب گرفتند، با پیامبر دیدار کرده و اسلام آوردند و با آن حضرت بیعت کردند که به بیعت عقبه اول معروف است. پس از این بیعت بود که پیامبر مُصعب بن عُمیر را برای تعلیم قرآن به مدینه فرستاد.

پس از هجرت به مدینه، پیامبر مبلغانی را به نقاط مختلف ارسال می‌کرد که کار دعوت و تعلیم قرآن و معارف را بر عهده داشتند. اعزام حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام به یمن، معاذ بن جبل به سوی قبیله حمیر و عمرو بن حزم به سوی خاندان بنی الحارث نمونه‌هایی از آن است. بلال حبشی و ابن‌ام‌مکتوم مؤذن آن حضرت بودند و حسان بن ثابت نیز شاعر او بود. به این ترتیب سازمان تبلیغی

پیامبر از مبلغ، قاری، مؤذن و شاعر شکل می‌یافت. هم‌چنین، پیامبر سران و حاکمان جهان را نیز به دین اسلام دعوت کرد. در سال ششم هجری پیامبر در یک روز به نجاشی، قیصر روم، خسرو پرویز، مقوقس، حارث بن غسانی و هوذۀ بن علی نامه‌هایی ارسال کرد.

مرتضی مطهری روش تبلیغ پیامبر را همان‌گونه که خداوند در قرآن توصیف کرده همراه با بشارت و انذار دانسته است. وی می‌گوید بشارت به معنی مژده دادن است که با هدف تشویق به انجام کاری صورت می‌گیرد. انذار نیز به معنی بیم دادن و اعلام خطر کردن است. او معتقد است در دعوت به دین، تبشیر و انذار دو رکنی هستند که باید در کنار هم وجود داشته باشند.

سیره سیاسی و نظام اداری

رسول خدا (ص) هنگامی که به مدینه هجرت کرد نظم اجتماعی و اداری جدیدی را پدید آورد که بر اساس اصول اسلام پایه ریزی شده بود. محققان معتقدند با اقدامات پیامبر (ص) امتی پدید آمد که روابط آنان بر پایه عقائد دینی استوار بود، نه بر اساس خویشاوندی و روابط اقلیمی. در جامعه نوین، مسلمانان به پروردگاری یگانه ایمان داشتند و از دستورات دین واحدی پیروی می‌کردند. گذشته از آن پیامبر نظام اداری به وجود آورد و به حسب نیاز مسئولیت‌هایی را به کسانی واگذار می‌کرد. احمدی میانجی فهرست کسانی که از جانب رسول خدا (ص) به مأموریتی فرستاده شده یا به

منصبی گماشته شده‌اند ارائه داده که ۲۳۶ نفر هستند. در برخی موارد نامه‌هایی از پیامبر (ص) باقی مانده که شرح وظایف اشخاص مشخص شده است. مقریزی (م ۸۴۵ق) می‌گوید پیامبر (ص) امام علی (ع) و معاذ بن جبل را به عنوان قاضی به یمن فرستاد. اما در مدینه خود پیامبر (ص) قضاوت را برعهده داشت. هم‌چنین، رسول خدا (ص) اشخاصی را به عنوان مأمور جمع‌آوری صدقات و زکات‌ها معین کرد. ابن عبد ربّه (م ۳۲۸ق) از ۲۵ نفر نام می‌برد که هر یک از آنها مسئول نوشتن گونه‌ای از نامه‌ها بودند. اما احمدی میانجی غیر از کاتبان وحی و کاتبان صدقات، از ۳۷ نفر به عنوان نویسندگان نامه‌ها و پیمان‌های رسول خدا (ص) نام می‌برد.

سیره نظامی

پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه در چهار جبهه نبرد با مشرکان قریش (مانند غزوه بدر)، پیمان شکنان یهود (هم‌چون غزوه بنی‌قریظه)، قبایل عرب (مانند غزوه بنی‌مصطلق) و جبهه روم (مانند غزوه تبوک) به رویارویی با دشمن پرداخت و در مجموع در ۲۷ غزوه شرکت داشت اما تنها ۹ مورد از آنها به جنگ انجامید. مجموع سربه‌هایی که به فرماندهی یکی از یاران پیامبر (ص) انجام شد نیز بر اساس آمار ابن اسحاق ۳۸ مورد و بنابر اقوال دیگر ۴۷ مورد بود. هم‌چنین مجموع تلفات انسانی دو طرف نزاع در درگیری‌های عصر رسول خدا (ص) به هزار نفر نمی‌رسد.

محققان بر این باورند که مجموعه‌ای از ارزش‌های انسانی در شرایط جنگی توسط پیامبر (ص) رعایت شده است، مانند چگونگی برخورد با غیر نظامیان، مجروحان، اسیران جنگی، محیط زیست، اجساد دشمنان و ... طبق سیره پیامبر (ص) پیش از شروع جنگ، نصیحت و ارشاد طرف مقابل به منظور اتمام حجت با آن‌ها لازم است. به عنوان مثال آن حضرت به امام علی (ع) هنگامی که برای جنگ به یمن می‌رفت توصیه کرد با آن‌ها نرمش نشان دهد و آن‌ها را به دین اسلام دعوت کند و از آن‌چه بر ایشان واجب گردیده آگاه‌شان گرداند. با توجه به مستندات تاریخی در هیچ نبردی پیامبر آغازگر جنگ نبوده و به یاران خود دستور می‌داد تا لشگریان دشمن جنگ را آغاز نکرده‌اند، کسی شروع نکند. از توصیه‌های رسول خدا (ص) به سربازان خود این بود که از روش‌های بی‌رحمانه در کشتن دشمنان پرهیز کنند. خیانت و عهدشکنی نکرده و از مُثله (تکه تکه) کردن کشته‌شدگان پرهیزند. از هرگونه بی‌عفتی نسبت به زنانی که اسیر می‌شدند برحذر باشند. کسی اجازه ندارد زنان، کودکان و پیرمردانی که قدرت جنگیدن ندارند را بکشد. پیامبر همچنین از خراب کردن خانه‌های مسکونی دشمنان منع می‌کرد.

سیره اخلاقی

قرآن کریم پیامبر را با عبارت *إِنك لعلی خلق عظیم* (ترجمه: ای پیامبر تو دارای اخلاق بزرگی هستی) می‌ستاید. از طرفی نیز پیامبر (ص) هدف

بعثت خود را به کمال رساندن مکارم اخلاق می‌دانست. بر این اساس شناخت سیره اخلاقی پیامبر (ص) در طول تاریخ اهمیت بسیاری داشته و کتاب‌ها و پژوهش‌های بسیاری به آن پرداخته‌اند. به عنوان مثال می‌توان از قدیمی‌ترین منابعی که به سیره اخلاقی پیامبر (ص) اختصاص داشته یاد کرد. کتاب *الشمائل النبویه و الخصائص المصطفویه* تألیف محمد بن عیسی ترمذی (م ۲۷۹ ق)، *اخلاق النبی و آدابه* تألیف ابوالشیخ اصفهانی (م ۳۶۹ ق)، *خَلق النبی و خُلُقُه* از محمد بن عبدالله بن عبدالعزیز سجستانی (م ۴۵۰ ق) نمونه‌هایی از این دست هستند.

در اخلاق معنوی پیامبر (ص) از اموری مانند عبادت، دعا، تهجد، توکل و ... سخن به میان آمده است. اخلاق فردی پیامبر (ص) مباحثی هم‌چون مهربانی و محبت، تواضع، ساده زیستی، معاشرت عمومی پیامبر (ص)، رفتار او با کودکان و جوانان، آراستگی ظاهری، نحوه سخن گفتن، خنده‌رویی، آداب غذا خوردن، انفاق، سخاوت، حلم، عفو، انجام کارهای شخصی، امانت‌داری، بهداشت فردی، یاری رساندن در انجام کارهای خانه و ... را شامل می‌شود. اخلاق اجتماعی پیامبر (ص) نیز به مباحثی مانند احسان و کمک به نیازمندان، کارگشایی، مودت و الفت‌آفرینی و ... می‌پردازد.

در یکی از گزارش‌های قابل توجه در مورد سیره اخلاقی پیامبر (ص) نقل شده است که امام حسین (ع) از پدرش امام علی (ع) در مورد اخلاق پیامبر

(ص) سوال می‌کند و امام علی (ع) توضیحات مفصلی در این باره می‌دهد که در بخشی از آن این چنین آمده است:

وقت خود را به سه قسمت تقسیم می‌کرد: بخشی برای عبادت خدا، قسمتی برای انجام کارهای خانواده‌اش و قسمتی برای خودش و از بخش مربوط به خود، قسمتی را به مردم اختصاص می‌داد و عام و خاص را می‌پذیرفت. برترین اصحاب در نظرش خیرخواه‌ترین ایشان بود. کسانی که یاری دادن به مردم را بیشتر رعایت می‌کردند از نظر پیامبر (ص) گرمی‌تر بودند. در نشستن جایگاه معینی برای خود تعیین نکرده بود. هرگز خشن و سنگدل و پرخاشگر و بدزبان و عیب‌جو و مدیحه‌گر نبود، هیچ‌کس از او مأیوس نمی‌شد، و هر کس به در خانه او می‌آمد ناامید باز نمی‌گشت. سه چیز را از خود رها کرده بود: مجادله در سخن، پرگویی، و دخالت در کاری که به او مربوط نبود. و سه چیز را در مورد مردم رها کرده بود: کسی را مذمت نمی‌کرد، و سرزنش نمی‌فرمود، و از لغزش‌ها و عیوب پنهانی مردم جستجو نمی‌کرد.